

عنوان مقاله:

رابطه ی آموزش هوش هیجانی بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان طلاق

محل انتشار:

چهارمین همایش ملی آسیب شناسی روانی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

هدیه دزنایی - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی دانشگاه روزبهان ساری

سیده فاطمه رضوی سادات - استاد دانشگاه روزبهان ساری

خلاصه مقاله:

خانواده هسته اجتماع، مهم ترین شکل سازماندهی زندگی شخصی است که بر اساس پیوند زناشویی و پیوندهای خویشاوندی، یعنی رابطه زن و شوهر، والدین و فرزندان و سایر خویشاوندان با هم زندگی می کنند و خانواده ای مشترک را حفظ می کنند (کادیراجیوا و الکسیوا، ۲۰۲۳). در سال های اخیر خانواده به شکل فزاینده ای در معرض تهدید قرار گرفته است؛ به طوری که کارکردهای زیستی، شناختی، اجتماعی و عاطفی خانواده به تدریج با تنزل مواجه شده است. به تبع آن، اعضای خانواده نیز با احساس عدم رضایت مندی در تمام ابعاد زندگی روبه رو شده اند. کاهش رضایتمندی اعضای خانواده نیز در ابتدا گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی را موجب می شود و به دنبال آن طلاق اتفاق می افتد (مورتلمنس، ۲۰۲۰). امروزه طلاق بدون توجه به حضور فرزندان در زندگی زناشویی، به صورت سرسام آوری در حال افزایش است (سپرمو، ۲۰۲۰). افزایش تعداد طلاق به این معنی است که بسیاری از زوج ها و فرزندانشان به شدت تحت تاثیر نابسامانی های خانوادگی که معمولا همراه با طلاق است، قرار می گیرند (کادیراجیوا و الکسیوا، ۲۰۲۳). کودکان معمولا نسبت به طلاق والدین خود احساس ترس، ناامنی و احساس گناه می کنند. طلاق، تعداد خانواده های تک والد را افزایش می دهد. آن ها الگوهای رفتاری و ارزش هایی را شکل می دهند که نهاد ازدواج بر اساس آن استوار است (کادیراجیوا و الکسیوا، ۲۰۲۳). بر اساس نظریه رفتار مشکل و نظریه دلبستگی اولیه بالبی، چندین مطالعه نشان داده است کودکانی که به دلیل جدایی از والدین، دلبستگی ناایمن را تجربه می کنند، ممکن است اختلالات اجتماعی، روانی یا رفتاری را نشان دهند (سنایه و همکاران، ۲۰۲۲).

کلمات کلیدی:

آموزش هوش هیجانی- مشکلات رفتاری درونی سازی شده- مشکلات رفتاری برونی سازی شده- کودکان طلاق

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1955053>

